# احکام وطن

## احکام وطن

س ۶۸۲. من متولد شهر تهران هستم و پدر و مادرم در اصل از اهالی شهر «مهدی شهر» هستند، لذا چندین بار در طول سال به آن جا سفر می کنند و من هم همراه آنان می روم، با توجه به این که من قصد بازگشت به «مهدی شهر» را برای سکونت ندارم، بلکه قصد دارم در تهران بمانم، نماز و روزه ام چه حکمی دارند؟

ج. در فرض مذکور، نماز و روزه شما در وطن اصلی پدر و مادرتان، حکم نماز و روزه سایر مسافرین را دارد.

س ۶۸۳. من شش ماه از سال را در شهری و شش ماه را در شهر دیگری که محل تولدم و محل سکونت من و خانواده ام است، زندگی می کنم، ولی در شهر اول به طور متوالی و مستمر ساکن نیستم، مثلاً دو هفته یا ده روز و یا کمتر در آن می مانم و سپس به محل تولد و سکونت خانواده ام بر می گردم، سؤال من این است که اگر قصد ماندن کمتر از ده روز را در شهر اول داشته باشم، آیا حکم مسافر را دارم یا خیر؟

ج. اگر به مقداری در آنجا زندگی می کنید که عرفاً مسافر محسوب نمی شوید نماز شما در آنجا تمام و روزه تان صحیح است.

س ۶۸۴. کسی که می خواهد مدتی موقت در مکانی بماند، تا چه مدتی بنای ماندن آنجا را داشته باشد، نمازش تمام و روزه اش صحیح است؟

ج. اگر بنای زندگی در جایی را به مدّت یک سال داشته باشد گرچه آن جا وطنش محسوب نمی شود اما نمازش در آنجا تمام و روزه اش صحیح است.

س ۶۸۵. وطن شخصی تهران است و در حال حاضر قصد دارد در یکی از شهرهای نزدیک تهران ساکن شده و آن را وطن خود قرار دهد، ولی چون محل کسب و کار روزانه اش در تهران است، نمی تواند ده روز در آن جا بماند، چه رسد به شش ماه، بلکه هر روز به محل کارش می رود و شب به آن جا برمی گردد، نماز و روزه او در آن شهر چه حکمی دارد؟

ج. شرط تحقق عنوان وطن جدید این نیست که انسان بعد از قصد توطّن و سکونت در شهری، به طور مستمر مدتی در آنجا بماند، بلکه بعد از اینکه آنجا را به عنوان وطن جدید انتخاب نمود و با این قصد، مدتی ( اگر چه فقط شبها) آنجا سکونت نمود، وطن او محسوب می شود ؛ همچنین چنانچه کارهایی را انجام بدهد که عادتاً انسان برای توطّن در یک محلی آن کارها را انجام می دهد مثل تهیه منزل و انتخاب محل کسب و کار، ـ ولو زمانی هم نماند ـ وطن تحقّق پیدا می کند.

س ۶۸۶. محل تولد من و همسرم شهر کاشمر است، ولی بعد از استخدام در یکی از ادارات دولتی، به نیشابور منتقل شدم، پدر و مادر ما هنوز در زادگاهمان زندگی می کنند، در ابتدای رفتن به نیشابور، از وطن اصلی خود اعراض کردیم، ولی اکنون بعد از پانزده سال از این امر منصرف شده ایم، خواهشمندم به سؤالات زیر پاسخ فرمایید:
۱. هنگامی که به خانه پدر و مادرمان می رویم و چند روز نزد آن ها می مانیم، وظیفه من و همسرم راجع به نماز چیست؟
۲. فرزندان ما که در محل سکونت فعلی ما ( نیشابور) متولد شده و در حال حاضر به سن بلوغ رسیده اند، هنگامی که به شهر پدری مان ( کاشمر) رفته و چند روز نزد آن ها می مانیم، چه وظیفه ای دارند؟

ج. بعد از آن که از وطن اصلی تان ( کاشمر) اعراض کردید، دیگر حکم وطن در آن جا بر شما جاری نمی شود، مگر آن که دوباره به آنجا برگشته و تصمیم بگیرید برای همیشه یا مدت طولانی ( هر چند به صورت چند ماه از سال) یا بدون تعیین مدت در آن جا زندگی کنید به شرط آن که لوازم زندگی را در آن جا فراهم نمایید یا مدتی در آن جا بمانید و این شهر نسبت به فرزندان شما هم حکم وطن را ندارد و همه شما در آن جا حکم مسافر را دارید.

س ۶۸۷. شخصی دارای دو وطن است، در نتیجه نماز خود را در هر دو مکان تمام می خواند و روزه هم می گیرد، آیا واجب است که همسر و فرزندان تحت تکفل وی در این مسأله از سرپرست خود تبعیت نمایند یا این که می توانند مستقل از او عمل کنند؟

ج. زن می تواند وطن جدید شوهرش را وطن خود قرار ندهد، ولی فرزندان اگر صغیر باشند و در تصمیم گیری و کسب درآمد مستقل نباشند و یا در این مسأله تابع اراده پدر باشند، وطن جدید پدر، وطن آنها هم محسوب می شود.

س ۶۸۸. اگر زایشگاه خارج از وطن پدر باشد و مادر ناچار باشد که چند روزی برای وضع حمل به زایشگاه منتقل شود و بعد از تولد فرزند برگردد، وطن این طفل کجاست؟

ج. مجرد تولد در شهری باعث نمی شود که آنجا وطن او شود، بلکه وطن وی همان وطن پدر و مادر است که بعد از تولد به آنجا برده شده و با آنها زندگی و در آنجا رشد و نمو می کند.

س ۶۸۹. چند سال است که شخصی در شهر اهواز سکونت دارد ولی آن جا را به عنوان وطن دوم خود قرار نداده است، اگر از آن شهر به مقدار بیشتر یا کمتر از مسافت شرعی خارج شود، هنگام بازگشت مجدد به آن جا، نماز و روزه او چه حکمی دارد؟

ج. در فرض مرقوم که در آن مکان عرفاً مسافر محسوب نمی شود نمازش تمام و روزه او صحیح است.

س ۶۹۰. من فردی عراقی هستم که قصد اعراض از وطنم عراق را دارم، آیا همه ایران را وطن خود قرار دهم یا منطقه ای را که در آن ساکن هستم و یابرای انتخاب وطن حتماً باید خانه ای بخرم؟

ج. در وطن جدید، قصد توطّن در شهر خاص و معیّن شرط است و لازم است کارهایی را که عادتا انسان برای توطن در یک محل انجام می دهد، آن کارها را انجام دهد، مثل اینکه خانه ای خریداری یا اجاره کند یا محلی برای کسب و کار تهیه نماید. و یا اینکه مدتّی مثلاً یکی دو ماه در آنجا بماند.

س ۶۹۱. کسی که قبل از بلوغ از محل تولد خود به شهر دیگری مهاجرت نماید و به مسأله اعراض از وطن آگاه نباشد، الآن که به سن تکلیف رسیده، نسبت به نماز و روزه اش در آن جا چه وظیفه ای دارد؟

ج. اگر از محل تولد به تبعیت از پدرش مهاجرت کند و پدر وی قصد عدم بازگشت به آن جا را برای زندگی داشته باشد، آن مکان برای او هم حکم وطن را ندارد.

س ۶۹۲. اگر شخصی وطنی داشته باشد که در حال حاضر در آن سکونت نمی کند، ولی گاهی با همسرش به آن جا می رود، آیا همسر او در آن جا باید مانند وی نمازش را تمام بخواند یا خیر؟ و اگر همسرش تنها به آن جا برود نمازش چه حکمی دارد؟

ج. مجرد این که آن مکان وطن شوهر اوست باعث نمی شود که وطن وی هم باشد و بر او در آن جا احکام وطن جاری شود.

س ۶۹۳. آیا محل کار حکم وطن را دارد؟

ج. اشتغال به کاری در مکانی موجب نمی شود که آن مکان وطن گردد، ولی اگر در آنجا سکونت داشته باشد و بنا دارد حداقل مدت یک سال در آنجا بماند حکم مسافر را نخواهد داشت و نمازش تمام و روزه اش صحیح است.

س ۶۹۴. مراد از اعراض از وطن چیست؟ آیا مجرد ازدواج زن و رفتن وی همراه شوهر به هر جایی که او می خواهد، اعراض محسوب می شود یا خیر؟

ج. اعراض، با خروج از وطن با تصمیم بر عدم بازگشت به آنجا و همچنین با علم یا اطمینان به عدم امکان بازگشت، محقّق می شود و مجرد رفتن زن به خانهٔ شوهر در شهر دیگر، مستلزم اعراض از وطن اصلی اش نیست.

س ۶۹۵. خواهشمندیم نظر خود را درباره وطن اصلی و وطن اتخاذی بیان فرمایید.

ج. وطن اصلی در سه صورت محقق می شود:

اول: در محل تولد والدین یا یکی از آن دو متولد شود و حداقل شش ماه در آنجا رشد کند.

دوم: در غیر محل تولد والدین متولد شود و پنج سال در آنجا رشد کند.

سوم: در غیرمحل تولد، دوران کودکی و نوجوانی را رشد کند.

و وطن اتخاذی مکانی که انسان آنجا را به عنوان وطن و محل سکونت قرار داده است در حالی که قبلاً وطن او نبوده است ؛ خواه از وطن اصلی إعراض کرده باشد یا نه ؛ بنابراین اگر قصد دارد در جایی حدود ده سال بماند، بعید نیست عرفاً برای صدق وطن اتخاذی کافی باشد.

س ۶۹۶. پدر و مادر من از اهالی شهر ساوه هستند و هر دو در کودکی به تهران آمده و در آن سکونت کرده اند. بعد از ازدواج به شهر چالوس رفته و در آن ساکن شده اند، زیرا محل کار پدرم آن جا بوده است. بنا بر این من در تهران به دنیا آمده، ولی هرگز در آن اقامت نکرده ام، در تهران و ساوه چگونه نماز بخوانم؟

ج. در فرض مرقوم در آنجا حکم سایر مسافرین را خواهید داشت.

س ۶۹۷. شخصی از وطنش اعراض نکرده است و در حال حاضر حدود شش سال است که در شهر دیگری اقامت دارد، در صورتی که به وطن خود برگردد، با توجه به این که بر تقلید امام راحل ( قدّس سرّه) باقی مانده، آیا نماز خود را باید تمام بخواند یا شکسته؟

ج. تا از وطن سابق خود اعراض نکرده، حکم وطن نسبت به او باقی است و نماز وی در آن جا تمام و روزه اش صحیح است.

س ۶۹۸. دانشجویی خانه ای را در شهر تبریز برای تحصیل در دانشگاه آن به مدت چهار سال اجاره کرده است، همچنین وی در صورت امکان، قصد ماندن دائمی در تبریز را دارد، در حال حاضر در ایام ماه مبارک رمضان گاهی به وطن اصلی اش رفت و آمد می کند، آیا آن دو مکان، برای او دو وطن محسوب می شوند؟

ج. اگر در حال حاضر قصد قطعی بر توطّن در محل تحصیل نداشته باشد، آنجا حکم وطن را برای او نخواهد داشت. ولی در فرض مرقوم در آن مکان حکم مسافر را ندارد و نمازش تمام و روزه اش

صحیح است و در ضمن حکم وطن بودن وطن اصلی او تا زمانی که از آن اعراض نکرده، نسبت به وی باقی است.

س ۶۹۹. من در شهر کرمانشاه به دنیا آمده ام و شش سال است که در تهران ساکن هستم و بدون این که از وطن اصلی خود اعراض کرده باشم، قصد توطن در تهران کرده ام. اگر در هر یک یا دو سال از منطقه ای به منطقه دیگری از مناطق تهران منتقل شوم، نماز و روزه ام در آن جا چه حکمی دارد؟ و چون بیشتر از شش ماه است که در منطقه جدیدی از تهران ساکن هستیم، آیا آن جا برای ما حکم وطن را دارد یا خیر؟ هنگامی که در طول روز به مناطق مختلف تهران رفت و آمد می کنیم، نماز و روزه ما چه حکمی دارد؟

ج. اگر در تهران فعلی و یا محله ای از آن قصد توطن نموده اید، سراسر آن جا وطن شما محسوب می شود، و در تمامی محله های تهران حکم وطن بر شما جاری است و نمازتان تمام و روزه شما صحیح است و تردد شما در تهران فعلی حکم سفر را ندارد.

س ۷۰۰. محل کار و سکونت فعلی شخصی از اهالی روستا در تهران است و پدر و مادر او در روستا زندگی می کنند و در آن ملک و آب دارند، این شخص برای دیدار و کمک به آن جا می رود، ولی تمایلی به بازگشت به آن جا برای سکونت ندارد، با توجه به این که آن جا زادگاه وی است، نماز و روزه اش در آن جا چه حکمی دارد؟

ج. اگر قصد مراجعت به آن روستا برای سکونت و زندگی ندارد، بلکه تصمیم به عدم مراجعت دارد، حکم وطن بر او در آن جا جاری نمی شود.

س ۷۰۱. آیا محل تولد شخص هرچند در آن جا ساکن نباشد، وطن محسوب می شود؟

ج. اگر وطن والدین یا یکی از آن دو بوده، شش ماه و در غیر وطن والدین حدود پنج، شش سال مانده باشد، تا از آنجا اعراض نکرده است، وطن وی محسوب می شود و در غیر این صورت حکم وطن را ندارد.

س ۷۰۲. نماز و روزه کسی که سال های زیادی ( نه سال) در سرزمینی که وطن او نیست، زندگی می کند، و در حال حاضر ممنوع الورود به وطن خود است، ولی یقین دارد که روزی به آن باز خواهد گشت، چه حکمی دارد؟

ج. در فرض سؤال بر این شخص، مسافر صدق نمی کند و نمازش در آنجا تمام و روزه اش صحیح است.

س ۷۰۳. شش سال از عمرم را در روستایی و هشت سال را در شهری گذرانده و در حال حاضر برای تحصیل به مشهد آمده ام، نماز و روزه ام در هر یک از این مکان ها چه حکمی دارد؟

ج. روستای محل تولد وطن اصلی شما محسوب می شود و مادامی که از آن اعراض نکرده اید، نماز شما در آنجا تمام و روزه تان صحیح است. شهری هم که چندین سال در آن ساکن بوده اید، اگر آن را به عنوان وطن انتخاب کرده باشید، تا از آن اعراض نکرده اید، حکم وطن را برای شما دارد ولی شهر مشهد اگر قصد توطن در آن را ندارید وطن شما محسوب نمی شود لکن اگر بنا دارید حداقل یکی دو سال در آنجا سکونت داشته باشید نمازتان در آنجا تمام و روزه تان صحیح است.